

## حدوث قدرت بر رکوع و تأثیر آن بر نماز معلولین

محمد مهدی محب‌الرحمان<sup>۱</sup>

کاظم قاضی زاده<sup>۲</sup>

### چکیده

مقاله پیش رو که به مسأله مهم نماز معلولین اختصاص دارد، به بررسی حکم رکوع معلولین و بیماری‌رانی نظیر ام.اس و... می‌پردازد که به دلیل ناتوانی، لازم است رکوع را در حالت نشسته به جا آورند، اما در حین نماز، ممکن است بر انجام رکوع به شکل اصلی قدرت پیدا کنند. مسأله اصلی این مقاله، پاسخ به این سؤال است که: شخص معلول، «در صورتی که قبل از رکوع یا بعد از رکوع نشسته، توانمند و قادر به ایستادن شد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا رکوع نشسته را رها کرده و می‌ایستد و رکوع مجدد به جا می‌آورد؟ یا همان رکوع را ادامه می‌دهد و فقط قیام پس از رکوع را انجام می‌دهد؟ یا این هم لازم نیست و فقط به نشستن و انتصاب جلوسی اکتفا می‌کند؟» یافته‌های تحقیق نشان می‌دهد: قیام متصل به رکوع جزء رکوع دانسته می‌شود و لازم است با نوع رکوعی که انجام می‌شود تطابق داشته باشد، ولی قیام بعد از رکوع، واجب مستقلاً به حساب می‌آید که در صورت قدرت بر انجام آن، به صورت ایستاده انجام می‌شود، هر چند خود رکوع به صورت نشسته انجام شده باشد.

### واژگان کلیدی

رکوع، قدرت بر رکوع، معلولین، نماز معلولین، نماز

۱. طلبه سطح چهار، حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

Email: mohamad61.30@gmail.com

۲. استادیار دانشگاه قران و حدیث، قم، ایران.  
[www.SID.ir](http://www.SID.ir)

## مقدمه

نماز احبّ اعمال نزد خداوند (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.) و ستون دین (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.) به حساب آمده و از کیفیت آن و اجزای مختلفش، در کتب مختلف فقهی استدلالی و روایی، سخن بسیار گفته شده است.

در این میان، راجع به کسی که قدرت بر انجام تکلیف ندارد، از طرفی، با توجه به مبانی مختلفی که در شرطیت قدرت در تکلیف مطرح شده، گفته می‌شود: تکلیفی متوجه او نیست یا تکلیف برای او منجز نیست یا فقط بگوییم وی معذور است.

اما از دیگرسو، این نتیجه برای معلولی که قدرت بر انجام نماز به شکل اصلی را ندارد، توسط روایات بسیاری نفی می‌شود. روایاتی که مفاد آن، عدم ترک نماز در هیچ حالتی است<sup>۱</sup> یا روایاتی که وظیفه شخص بیمار و معلول را تغییر شکل نماز وی می‌داند و حالتی جایگزین برایش تعیین می‌کند.<sup>۲</sup>

در واقع می‌توان گفت این ادله بر این دلالت می‌کند که اگرچه عدم قدرت و توانایی باعث عدم امکان اقامه صلاة به شکل اصلی برای بیمار و معلول باشد، ولی چون نماز فریضه مهمی است که در هیچ حالتی نمی‌بایست ترک شود، پس دستور می‌دهد شکل نماز برای شخص بیمار و معلول به طوری تغییر کند که او بتواند اقامه نماز کند.

از جمله این موارد، که شکل یا شرایط جدیدی بر ایشان تشریح شده، معلولینی هستند که قادر به ایستادن، خم شدن و انجام رکوع به شکل اصلی نیستند. بنابراین طبق نصوص مختلف که در مباحث مربوطه مطرح شده است<sup>۳</sup> لازم می‌باشد رکوع را به صورت نشسته انجام دهد یا اگر ناتوان از خم شدن است، با ایما سر<sup>۴</sup> و در مرتبه بعد، غمض عین را جایگزین رکوع گرداند.<sup>۵</sup>

اما آنچه این مقاله بدان می‌پردازد، پیرامون یک مسأله از مسائل مختلف رکوع برخی معلولین و بیمارانی است که ممکن است در یک لحظه، قادر و توانمند به انجام رکوع به شکل اصلی شوند که بحث جدیدی را، سوای آنچه مورد اشاره فقهای بزرگ بوده، شکل داده است:

همانطور که گفته شد، اگر بیمار یا معلولی که از قیام و رکوع ایستاده ناتوان باشد - همچنان که اغلب معلولین این‌گونه‌اند - لازم است رکوع را در حالت نشسته به جا آورند. حال «در صورتی که قبل از رکوع یا در میان رکوع و یا بعد از رکوع، توانمند و قادر به ایستادن شد، وظیفه‌اش چیست؟ آیا رکوع نشسته را رها کرده و می‌ایستد و رکوع مجدد به جا می‌آورد؟ یا همان رکوع را ادامه می‌دهد و فقط قیام پس از رکوع را انجام می‌دهد؟ یا این هم لازم نیست، و فقط به نشستن و انتصاب جلوسی اکتفا می‌کند؟»

### الف - پیشینه و ادبیات تحقیق

تحقیق و پژوهش پیرامون اصل نماز معلولین جسمی بحث تازه‌ای نیست و در کتب فقها و حتی در روایات نیز مورد اشاره بوده، اما به مرور زمان بحث‌های بیشتر و جدیدی حول آن شکل گرفته است. در خصوص مسأله این مقاله نیز، اغلب فقهای متقدم، مانند محقق حلی در شرایع، (۱۴۰۸ ق.) علامه حلی در دو کتاب ارشاد (۱۴۱۰ ق.) و منتهی، (۱۴۱۲ ق.) محقق اردبیلی در مجمع‌الفائده، (۱۴۰۳ ق.) متعرض آن به طور خاص نشده و به صرف حدوث توانایی بر انجام قیام، ایستادن را لازم دانسته‌اند، اما علامه حلی در قواعد یک جمله (۱۴۱۳ ق.) و برخی دیگر از متقدمین مانند عاملی (۱۴۱۹ ق.) و عاملی (۱۴۰۲ ق.) و همچنین فقهای متأخر، بحث‌هایی را

بدان اختصاص داده که در این مقاله، نگاهی جدید بر آن ادله و انظار ارائه شده و در نتیجه، حکم متفاوتی را برای این مسأله بیان می‌کند.

این پژوهش، علاوه بر نگاه اصلی خود که بر کتاب عروه‌الوثقی، حواشی و تعلیقات بر عروه‌الوثقی بوده، از منابع مهم دیگر از جمله کتاب الصلاة انصاری، جواهر محمدحسن نجفی، مستندالشیعه مرحوم نراقی، تذکره و قواعد علامه حلی، حدائق مرحوم بحرانی، شرایع محقق حلی، کشف اللثام اصفهانی، جامع المقاصد کرکی، الخلل فی الصلاة امام خمینی (ره)، و... بهره برده است.

#### ب - تبیین موضوع

از اصلی‌ترین مفاهیم اساسی این پژوهش، مفهوم معلول جسمی است. معلول یا کم‌توان<sup>۶</sup> به کسی گفته می‌شود که بر اثر نقص جسمی یا ذهنی، اختلال قابل توجهی بر سلامت و کارایی عمومی، یا در شئون اجتماعی، اقتصادی و حرفه‌ای او به وجود آید، به طوری که این اختلال، از استقلال فردی، اجتماعی و اقتصادی وی بکاهد. (سازمان بهداشت جهانی، سال ۲۰۱۶ م.)

این معلولیت می‌تواند ناشی از:

- ۱- معلولیت حسی، مانند نابینایی و ناشنوایی؛
- ۲- معلولیت جسمی - حرکتی، شامل انواع نقص عضوها، ضایعات نخاعی و ناهنجاری‌های مربوط به اسکلت و عضلات؛
- ۳- معلولیت احشای داخلی، شامل ناهنجاری‌های قلبی - عروقی، تنفسی، کلیوی و...؛

۴- معلولیت ذهنی شامل عقب‌ماندگی ذهنی و بیماری روانی باشد. (کانون معلولان

تهران، ۱۳۹۳ ش.)

در خصوص معلولین حسی که شامل نابینا و ناشنوا است، این اشخاص مشکلی در انجام نماز ندارند، مگر ناشنوایی که در قدرت بر تکلم را نیز ندارد، اما معلولین ذهنی که فاقد قدرت تفکر و تعقل هستند، مسلماً تکلیف از آن‌ها برداشته شده و مخاطب حکم وجوب نماز، نمی‌باشند.

بنابراین می‌توان گفت موضوع اصلی این مقاله، معلولین جسمی - حرکتی و احشای داخلی هستند که به دلیل قطع عضو یا ناهنجاری‌های دیگر، ناتوان از انجام برخی اجزاء نماز می‌شوند. از جمله این معلولیت‌ها و بیماری‌ها می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱- فلج مغزی<sup>۷</sup>: فلج مغزی یک اصطلاح چترمانند است برای توصیف یک گروه بیماری‌های مزمن که در سال‌های اول تولد ظاهر می‌شود و ناشی از نقص و تنزل حرکات به کار می‌رود. این بیماری‌ها با نقص رشد یا تخریب حرکات برای کنترل حرکت در مغز همراه است و دارای علائمی از قبیل: ناهنجاری‌های حرکتی، ناهنجاری‌های روانی، تشنج، اختلال‌های رفتاری ناشی از آسیب مغزی می‌باشد. البته این علائم ممکن است آن قدر خفیف باشد که تشخیصشان با اشکال صورت گیرد یا آن قدر عمیق باشد که فرد به طور کامل زمین‌گیر شود. (محمدی، بی‌تا؛ کافمن و همکاران، ۱۳۷۲ ش.)

۲- اسکروز چندگانه<sup>۸</sup>: این بیماری مختص اعصاب مرکزی بوده (مغز و نخاع) و ایجاد لکه‌های سفید یا پلاک‌های متعددی در مغز می‌کند. پلاک‌ها گویای سفت‌شدگی غلاف‌های سلول‌های (میلین‌ها) عصبی مغز می‌باشند. در نتیجه فرمانی که از مغز صادر می‌شود به راحتی به اعضا و ماهیچه‌ها نمی‌رسد و کار به راحتی انجام نمی‌شود، (اسماعیلی، ۱۳۹۰ ش.) لذا ممکن است در درجات شدید، بیمار در میان نماز ایستاده، عاجز شود.

۳- تومور مغزی<sup>۹</sup>: تومور مغزی به رشد یک توده غیر طبیعی در مغز که امکان دارد خوش خیم یا بدخیم باشد، اطلاق می‌شود.

در صورتی که تومور مغزی درمان نشود، آسیب دائمی مغز یا مرگ در انتظار بیمار خواهد بود. رشد تومور به خارج توسط استخوان‌های جمجمه محدود می‌شود، بنابراین این مغز است که در اثر رشد تومور، تحت فشار قرار می‌گیرد. اگر تومور زود کشف شود و به سرعت جراحی شود یا تحت اشعه‌درمانی و شیمی‌درمانی قرار گیرد، بهبود کامل اغلب امکان‌پذیر خواهد بود. (مؤسسه تحقیقات، درمان و آموزش سرطان، بی‌تا)

این بیماری هم به جهت اختلال در قدرت عضلانی بخشی از بدن و اختلالات حسی در بخشی از بدن که گاهی رخ می‌دهد، نمی‌گذارد مکلف توانایی خود را برای انجام نماز حفظ کند.

۴- پلی‌میوزیت و درماتومیوزیت<sup>۱۰</sup>: التهاب بافت همبند، همراه تغییرات تخریبی در عضلات و پوست، باعث ضعف و تحلیل عضلات به ویژه عضلات اندام‌های فوقانی و تحتانی می‌شود. این بیماری شباهت بسیاری با آرتریت روماتوئید و لوپوس اریتماتوی دارد. از علائم این بیماری می‌توان به این موارد اشاره کرد: افتادن مکرر و سختی در برخاستن از جا؛ ضعف در عضلات کمر بند لگن و کمر بند شانه و...  
این بیماری ممکن است به طور ناگهانی یا تدریجی بروز کند. اکثر بیماران در نهایت به دلیل ضعف عضلانی نیازمند استفاده از صندلی چرخ‌دار شده یا به کلی زمین گیر می‌شوند. بنابراین ممکن است از انجام رکوع، ناتوان بشوند. (پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکان ایران، الف، بی‌تا)

۵- آبسه مغزی<sup>۱۱</sup>: آبسه مغزی یا اپی‌دورال، تجمع چرک ناشی از عفونت باکتریال در مغز یا خارجی‌ترین لایه از سه لایه غشایی که مغز و نخاع را می‌پوشاند است. بنابراین لازم است انواع عفونت‌ها در هر سن و در هر قسمت بدن

خصوصاً عفونت در اطراف بینی، صورت، عفونت گوش و یا آبه دندان جدی گرفته شود که تأخیر در تشخیص و درمان آن، ممکن است عارضه جبران‌ناپذیری به همراه داشته باشد.

ضعف، بی‌حسی یا فلج در یک طرف بدن، مشکل در صحبت کردن، منگی، گیجی، یا حالت هذیانی سردرد، تهوع و استفراغ، تشنج از علائم این بیماری است که البته گاه می‌تواند به صورت بسیار آهسته و با تبی بسیار ملایم شروع گردد، لذا بیمار در بعضی از لحظات، ناتوان از انجام رکوع می‌شود. (پایگاه اطلاع‌رسانی پزشکان ایران، ب، بی‌تا)

## ج - بیان نظر و اختلاف فقها در فتوا

### ۱- حدوث قدرت قبل از ذکر رکوع

۱-۱- نظریه مشهور: بر اساس نظر مشهور فقها از جمله علامه حلی در قواعد، (۱۴۱۳ ق.) عاملی در ذکری الشیعه، (۱۴۱۹ ق.) عاملی در روض الجنان، (۱۴۰۲ ق.) محقق کرکی در جامع المقاصد، (۱۴۱۴ ق.) مرحوم بهبهانی در مصابیح، (۱۴۲۴ ق.) صاحب جواهر در جواهر، (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) انصاری در کتاب الصلاة، (۱۴۱۵ ق.) سیدکاظم یزدی در عروه، (۱۴۰۹ ق.) اگر بیمار، قبل از ذکر یا در میان ذکر رکوع، توان بر ایستادن پیدا کرد، بلند می‌شود، ولی نمی‌ایستد، بلکه به حالت رکوع ایستاده قرار می‌گیرد و ذکر رکوع را می‌گوید تا مبادا رکن قیام قبل از رکوع تکرار شود، البته علامه حلی، عاملی و عاملی در کتب خود، این طور آورده‌اند که اگر قبل از طمأنینه، توانایی پیدا کرد، به این روش عمل می‌کند. در توضیح نظر ایشان باید گفت منظور از طمأنینه، طمأنینه بعد از ذکر است، چراکه عاملی در ادامه آورده است: «پس از خم شدن در حالت ایستاده، ذکر را می‌گوید، چراکه ذکر

را کامل نکرده بود.» (عاملی، ۱۴۱۹ ق.) همچنین عاملی آورده است: «هرچند بخشی از ذکر را گفته بود، از ابتدا ذکر را می‌گوید.» (عاملی، ۱۴۰۲ ق.) در حالی که ذکر بعد از طمأنینه در رکوع انجام می‌شود، پس هرچند طمأنینه پیدا کرده و شروع به ذکر کرده بود، به حالت رکوع می‌ایستد.

**۲-۱- نظریه غیر مشهور:** در مقابل نظریه مشهور، آیت... خویی ادامه رکوع نشسته را لازم دانسته و انجام ادامه رکوع به صورت ایستاده را موجب بطلان نماز می‌داند. ایشان آورده‌اند: قوام رکوع به انحاء از حالت قیام متصل به رکوع در صحت رکوع مدخلیت دارد، اگر به حالت رکوع ایستاده خم شود، ولی نایستد، وی قیام متصل به رکوع را رعایت نکرده است. از طرفی دیگر، اگر او بایستد و قیام را رعایت کند، دو رکوع انجام داده است، چراکه وقتی نشسته بود، و شروع به رکوع کرد، انتصاب قبل از رکوع که جایگزین قیام متصل به رکوع بود را انجام داده بود، پس چنین شخصی می‌بایست به همان حالت رکوع نشسته ادامه بدهد و پس از اتمام رکوع، انتصاب جلوسی را انجام دهد. (خویی، ۱۴۱۸ ق.)

## ۲- حدود قدرت بر قیام بعد از ذکر رکوع نشسته و تمام کردن رکوع

**۲-۱- نظریه مشهور:** مشهور فقها از جمله عاملی در ذکری الشیعه، (۱۴۱۹ ق.) عاملی در روض الجنان، (۱۴۰۲ ق.) محقق کرکی در جامع المقاصد، (۱۴۱۴ ق.) مرحوم بهبهانی در مصابیح، (۱۴۲۴ ق.) صاحب جواهر در جواهر، (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) انصاری در کتاب الصلاة، (۱۴۱۵ ق.) سیدکاظم یزدی در عروه (۱۴۰۹ ق.) بر این عقیده است که اگر بعد از اتمام ذکر رکوع و حتی کمی برخاسته بود و سپس، توانایی ایستادن پیدا کرد، وی می‌ایستد تا قیام و انتصاب پس از رکوع را انجام دهد.



۲-۲- نظریه غیر مشهور: همچنان که در بخش اول گذشت، آیتا... خویی در اینجا نیز، قائل به ادامه رکوع نشسته، و لزوم رعایت انتصاب جلوسی هستند، چراکه انتصاب بعد از رکوع با توجه به شکل رکوع متفاوت است و اگر رکوع نشسته است، انتصاب هم نشسته لازم است. (۱۴۱۸ ق.)

### ۳- تحلیل و نتیجه بخش اول

با دقت در دو نظر فوق، می‌توان این‌گونه نتیجه گرفت که اگر رکوع و قیام قبل و بعد آن را یک جزء دانسته شود، همچنان که از کلام برخی مانند مرحوم حکیم در مستمسک نیز می‌توان استفاده کرد که آورده‌اند: «أن ذلك القیام (قبل از رکوع) لا یتشخص بدلا إلا باتصاله بالركوع؛ قیام قبل از رکوع (قیام متصل به رکوع در رکوع نشسته) زمانی بدل محسوب می‌شود که متصل به رکوع شود.» (حکیم، ۱۴۱۶ ق.) یعنی تشخیص قیام قبل رکوع را به رکوع دانسته‌اند؛ کلام آیتا... خویی مناسب خواهد بود، چراکه رکوع یک واجب است که دارای دو جزء قیام قبل و بعد از آن می‌باشد. حال اگر رکوع ایستاده انجام می‌شود، قیام قبل و بعد نیز لازم است ایستاده باشد، ولی اگر رکوع نشسته اتیان می‌شود، قیام قبل و بعد هم که جزء این رکوع محسوب می‌شوند، لازم است نشسته و با انتصاب جلوسی همراه باشد.

در مقابل، اگر هر یک از این اجزا را قابل انفکاک از هم دانسته شود و هر کدام را یک جزء مجزا حساب کنیم، قول مشهور محکم خواهد بود، چراکه شخص بیمار، با حدوث قدرت و توانایی بر هر جزء، همان جزء را سالم و به شکل اصلی انجام می‌دهد. پس هرچند رکوع را انجام داده بود، ولی لازم است قیام پس از آن را ایستاده انجام دهد.

پس این اختلاف نظر، در واقع به این بحث برمی‌گردد که آیا قیام قبل و بعد از رکوع، جزئی از رکوع دانسته می‌شود؟ یا اجزای مستقله نماز است؟ که اگر جزء

مستقل باشد، شخص معلول، به محض توانایی بر هر جزء، همان را به صورت سالم انجام می‌دهد.

## د - بیان دلیل

حال باید دید دلیل وجوب رکوع و قیام قبل و بعد از آن چگونه است؟ آیا این سه را یک واجب می‌داند یا چند واجب جداگانه هستند. در این بخش بر اساس دلیل وجوب «قیام متصل به رکوع» و «قیام بعد از رکوع»، از این بحث می‌شود که آیا این دو، واجب مستقلی هستند و یا جزئی از رکوع محسوب می‌شوند.

### ۱- ادله وجوب قیام متصل به رکوع

۱-۱- صحیح زراره<sup>۱۲</sup>: حر عاملی در کتاب خود روایتی را به مضمون ذیل بیان می‌نماید که: «هنگامی که خواستی رکوع انجام دهی، پس در حالتی که راست ایستاده‌ای، الله اکبر بگو و سپس رکوع کن و بگو خدایا برای تو رکوع کردم و برای تو اسلام آوردم و به تو ایمان آوردم و بر تو توکل کردم...» (۱۴۰۹ ق.) از نظر سند، این روایت صحیحه می‌باشد، که مورد اعتماد مرحوم کلینی در کافی (۱۴۰۷ ق.) و طوسی در تهذیب (۱۴۰۷ ق.) قرار گرفته و در کتب بسیاری از فقها نیز مورد توجه بوده است.<sup>۱۳</sup>

از نظر دلالت هم می‌فرماید وقتی می‌خواهی رکوع بروی، در حالت ایستاده، الله اکبر بگو و سپس رکوع کن. پس امر به انجام قیام قبل از رکوع دارد. اما همچنان که امام خمینی آورده‌اند، اشکال وارد بر دلالت این است که نمی‌توان وجوب را از امر در این صحیحه، استفاده کرد و آنچه در ادامه صحیحه آمده است، دلیل این سخن است.

در واقع می‌توان گفت این روایت در صدد بیان مستحبات رکوع و سجده است، همچنان که در ادامه امر آورده است: «وَقُلِ اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسَلْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ...» و مسلماً این اذکار، ذکر واجب در رکوع نیست. ضمن این که فقها نیز از این صحیح در بیان مستحبات رکوع و سجده استفاده کرده‌اند.<sup>۱۴</sup>

۲-۱- عدم صدق رکوع به رکوع بدون قیام قبلی: این دلیل را برخی از جمله مرحوم بهبهانی، (۱۴۲۴ ق.) مرحوم نراقی، (۱۴۱۵ ق.) محقق داماد (۱۴۱۶ ق.) و آیت... خوبی آورده‌اند. ایشان تصریح کرده است: «تنها دلیل بر وجوب قیام متصل به رکوع و رکن بودن آن، «دخل قیام» در «مفهوم رکوع» و «تقوم رکوع» به «قیام قبل از آن» است.» (خوبی، ۱۴۱۸ ق.) همچنین از ظاهر جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) می‌توان برداشت کرد که: در مفهوم رکوع، ایستادن قبل از آن اخذ شده، پس وقتی رکوع واجب بود، قیام قبل از رکوع واجب است، گویا قیام قبلی، جزئی از رکوع است و اگر رکوع عن قیام نباشد، رکوعی نیست. پس طبق این دلیل می‌توان گفت قیام قبل رکوع و رکوع یک جزء نماز هستند، اما فقهایی مانند محقق اردبیلی (۱۴۰۳ ق.) و مرحوم نائینی (۱۴۱۱ ق.) اشکال کرده‌اند که به رکوع بدون ایستادن قبلی هم رکوع اطلاق می‌شود. پس قیام قبل از رکوع در مفهوم رکوع اخذ نشده است.

در پاسخ می‌توان گفت درست است که «قیام قبل از رکوع»، در مفهوم «رکوع» اخذ نشده، اما همچنان که مرحوم نائینی آورده‌اند: از آنجا که «انجام رکوع از حالت قیام»، «مأموریه» واقع شده، پس «قیام قبلی» هم، «مأموریه» است. (نائینی، ۱۴۱۱ ق.)

۳-۱- اجماع: اغلب فقها دلیل وجوب قیام قبل از رکوع را اجماع دانسته‌اند.<sup>۱۵</sup> بر این دلیل اشکال می‌شود که اولاً این اجماع، کاشف از رأی معصوم نیست؛ ثانیاً

مستند اجماع، احتمالاً همان دلیل دوم است. بنابراین اجماع مدرکی خواهد بود.  
(خویی، ۱۴۱۸ ق.)

**۴-۱- تحلیل و نتیجه سه دلیل:** با توجه به سه دلیل و پاسخهایی که گذشت، می‌توان مانند برخی فقهای بزرگ این طور نتیجه گرفت که با پذیرش دلیل دوم، که: «وجوب قیام متصل به رکوع» فقط از «امر به انجام رکوع» برداشت شده است، از آنجا که «قیام متصل به رکوع»، امر مستقلی ندارد و «جزئی از مأمور به در امر به رکوع» است، (نائینی، ۱۴۱۱ ق.) پس باید متناسب با نوع رکوعی باشد که واجب شده است، یعنی با توجه به شکل رکوع، قیام آن نیز متغیر خواهد بود. (خویی، ۱۴۱۸ ق.) بنابراین اگر امر به «رکوع نشسته» تعلق گرفته و «رکوع نشسته» انجام می‌شود، قیام قبل از آن هم، که جزئی از مأمور به است، متناسب با رکوع نشسته، جلوسی انجام می‌شود و اگر رکوع ایستاده باشد، قیام ایستاده لازم است. پس اگر بعد از انجام قیام متصل به رکوع در حالت نشسته، قادر بر انجام رکوع شد، نباید بایستد. همچنین نباید به حالت انحاء و رکوع بلند شود، بلکه در حالت نشسته، رکوع را ادامه می‌دهد، چراکه اگر بایستد، قیام متصل به رکوع را دوبار انجام داده است و اگر در حالت انحاء و رکوع بلند شود، قیام متصل به رکوع با شکل رکوع تطبیق پیدا نکرده است، یعنی قیام متصل به رکوع، جلوساً انجام شده، ولی رکوع، قیاماً بوده است، در حالی که قیام متصل به رکوع جزئی از مفهوم رکوع دانسته شده است.

## ۲- ادله وجوب قیام بعد از رکوع

روایات متعدد و بنابر قول صاحب جواهر (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) نصوص متضافری دال بر وجوب قیام پس از رکوع نقل شده است که در اینجا به سه دلیل که بیشتر مورد توجه فقها بوده، اشاره می‌شود:

۲-۱- صحیحہ ابی بصیر: «مُحَمَّدُ بْنُ الْحَسَنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ عَلِيِّ بْنِ الْحَكَمِ عَنْ دَاوُدَ الْخَنْدَقِيِّ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ: قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع: ... إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرَّكُوعِ فَأَقِمَّ صَلَاتَكَ حَتَّى تَرْجِعَ مَفَاصِلُكَ...؛ هنگامی که سر از رکوع بلند کردی، پس کمرت را راست کن (و بایستد) تا آنکه مفاصلت (به مکان اصلی خود) برگردد...» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

از نظر سند، این روایت صحیحہ می‌باشد که مورد اعتماد طوسی در تهذیب (۱۴۰۷ ق.) قرار گرفته و در کتب بسیاری از فقها نیز مورد توجه بوده است.<sup>۱۶</sup>

از نظر دلالت نیز، حضرت کیفیت قیام بعد از رکوع را بیان می‌فرمایند که لازم است کمر راست شود به حدی که مفاصل کمر به مکان اصلی خود برگشته و قیام کامل محقق شود. بنابراین می‌توان وجوب قیام بعد از رکوع را از این روایت استفاده کرد.

۲-۲- صحیحہ حماد: «مُحَمَّدُ بْنُ عَلِيٍّ بْنِ الْحُسَيْنِ بِإِسْنَادِهِ عَنْ حَمَادِ بْنِ عِيسَى أَنَّهُ قَالَ (لِأَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع) ... جُعِلَتْ فِدَاكَ فَعَلَّمَنِي الصَّلَاةَ، فَقَامَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ ع مُسْتَقْبِلَ الْقِبْلَةِ ... ثُمَّ رَكَعَ ... ثُمَّ اسْتَوَى قَائِمًا ... ثُمَّ قَالَ: يَا حَمَادُ هَكَذَا صَلِّ...؛ حماد به امام صادق می‌گوید فدایت شوم، نماز را به من تعلیم کن. امام صادق (ع) رو به قبله ایستاد... سپس رکوع کرد... سپس راست ایستاد... و پس از نماز فرمود: ای حماد، این‌گونه نماز بخوان.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

از نظر سند، این روایت صحیحہ می‌باشد که با کمی اختلاف در متن، مورد اعتماد مرحوم کلینی در کافی، (۱۴۰۷ ق.) طوسی در تهذیب (۱۴۰۷ ق.) و صدوق در من لایحضره الفقیه (۱۴۱۳ ق.) قرار گرفته و در کتب بسیاری از فقها نیز مورد توجه بوده است.<sup>۱۷</sup>

از نظر دلالت، در این روایت، حضرت صادق (ع) نمازخواندن را به حماد آموزش می‌دهند و حماد کیفیت نماز حضرت را روایت می‌کند که امام پس از رکوع راست ایستاد. در انتها نیز حضرت به او می‌فرمایند این‌گونه نماز بخوان. اما اشکال می‌شود که استفاده و جوب از این امر، مشکل است، چراکه کیفیت نماز حضرت مشتمل بر مستحبات قطعی بوده است که نمی‌توان گفت «هكذا صل» امر به انجام حتمی و وجوبی آن افعال به حساب می‌آید.

۳-۲- روایت ابی بصیر: «أَحْمَدُ بْنُ إِدْرِيسَ عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنِ الْحُسَيْنِ بْنِ سَعِيدٍ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدٍ عَنْ رَجُلٍ عَنْ أَبِي بَصِيرٍ عَنْ أَبِي عَبْدِ اللَّهِ ع قَالَ: إِذَا رَفَعْتَ رَأْسَكَ مِنَ الرُّكُوعِ فَأَقِمَّ صُلْبَكَ فَإِنَّهُ لَا صَلَاةَ لِمَنْ لَا يَقِيمُ صُلْبَهُ؛ هنگامی که سر از رکوع بلند کردی، پس پشتت را راست کن که نمازی نیست برای کسی که پشتش را راست نمی‌کند.» (حر عاملی، ۱۴۰۹ ق.)

از نظر سند، به دلیل وجود رجل مجهول، این روایت سند صحیحی ندارد، ولی مورد اعتماد مرحوم کلینی در کافی (۱۴۰۷ ق.) و طوسی در تهذیب (۱۴۰۷ ق.) قرار گرفته است.

علاوه بر این، مورد توجه و عمل بسیاری از فقها از جمله محقق حلی، (۱۴۰۷ ق.) علامه حلی، (۱۴۱۴ ق.) محقق کرکی، (۱۴۱۴ ق.) محقق اردبیلی، (۱۴۰۳ ق.) صاحب مدارک، (موسوی عاملی، ۱۴۱۱ ق.) محقق سبزواری، (۱۴۲۷ ق.) صاحب جواهر، (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) مرحوم نراقی، (۱۴۱۵ ق.) صاحب حدائق، (بحرانی، ۱۴۰۵ ق.) محقق داماد (۱۴۱۶ ق.) و... بوده و از آن به عنوان دلیل بر وجوب قیام بعد از رکوع، استفاده کرده‌اند. بنابراین می‌توان گفت این روایت معمولاً بهای اصحاب است.

از نظر دلالت، این روایت امر می‌کند که پس از رکوع، پشتت را راست کن و همچنان که اغلب فقها آورده‌اند، دلالت بر وجوب قیام پس از رکوع می‌کند، به

حدی که نفی اصل نماز می‌کند از کسی که قیام و راست ایستادن پس از رکوع را ترک می‌کند.

#### ۴-۲- تقریب اول استدلال، وجوب استقلالی قیام بعد از رکوع: با توجه

به این سه دلیل، و امر جداگانه‌ای که در نصوص متضافره (نجفی، ۱۴۰۴ ق.) برای قیام بعد از رکوع آمده، باید گفت این قیام، یک واجب مستقل غیر از رکوع به حساب آمده و ربطی به شکل رکوع ایستاده یا نشسته ندارد. بنابراین اگر شخص عاجز، بر این واجب توانایی پیدا کرد و قادر بر قیام شد، می‌ایستد و قیام بعد از رکوع را ایستاده انجام می‌دهد.

#### ۵-۲- تقریب دوم استدلال، تمسک به اطلاق دلیل: علاوه بر آنچه برای

اثبات «جزئیت مستقل قیام بعد از رکوع» گذشت، می‌توان برای مدعا از «اطلاق» این ادله نیز استفاده کرد.

چراکه این سه دلیل و سایر نصوص متضافره باب، اطلاق داشته و شامل مورد مسأله نیز می‌شود، یعنی حکم وجوب قیام بعد از رکوع اطلاق دارد: چه برای شخص توانایی که از ابتدا قادر بود و چه برای کسی که در حین نماز، بعد از ذکر رکوع، توانایی پیدا کرد. بنابراین او نیز لازم است در صورت حدوث قدرت بعد از رکوع، بایستد و قیام کامل داشته باشد.

### نتیجه‌گیری

با توجه به آنچه از ادله آورده شد، وظیفه معلولین و بیمارانی مانند ام‌اس و... که در یک لحظه از نماز، توانمند و قادر به انجام رکوع به شکل اصلی می‌شوند، با توجه به بخشی از نماز که در آن قرار دارند، متفاوت است. با این توضیح که: به عنوان یک اصل کلی، قیام متصل به رکوع، که دلیل نقلی مستقلی بر وجوب آن وجود ندارد و وجوب آن از امر به رکوع استفاده شده، جزء رکوع و داخل در حقیقت رکوع دانسته می‌شود یا لااقل گفته می‌شود از آنجا که «وجوب قیام قبل از رکوع»، از «امر به رکوع برداشت می‌شود» و «داخل در امر به رکوع» است، «جزئی از مأمور به» تلقی شده و لازم است با نوع رکوعی که انجام می‌شود، تطابق داشته باشد، ولی قیام بعد از رکوع، که دلیل خاص دارد، واجب مستقلی به حساب می‌آید که در صورت قدرت بر انجام آن، به صورت ایستاده انجام می‌شود، هرچند خود رکوع به صورت نشسته انجام شده باشد. بنابراین در نتیجه این تحقیق، گفته می‌شود: حکم رکوع نماز افرادی که به علت معلولیت و بیماری، از انجام رکوع به شکل اصلی معاف هستند، ولی در میان نماز، قدرت بر ایستادن و رکوع به شکل اصلی و... پیدا می‌کنند، سه صورت خواهد داشت: ۱- اگر قبل از قیام متصل به رکوع قادر شدند، قیام و رکوع را ایستاده انجام می‌دهند؛ ۲- اگر بعد از قیام متصل به رکوع، قادر به انجام رکوع به شکل اصلی شدند، نمی‌ایستند، بلکه رکوع را به صورت نشسته پی می‌گیرند؛ ۳- اگر پس از ذکر و اتمام رکوع، قادر به ایستادن شدند، لازم است بایستند و قیام بعد از رکوع را ایستاده انجام دهند.

در حالی که اگر قدرت بر انجام رکوع، حادث نمی‌شد، در همه حالات سه‌گانه فوق، قیام قبل و بعد از رکوع نیز، با توجه به حالت عجز، انجام می‌پذیرفت، پس می‌توان گفت در خصوص قیام متصل به رکوع، نظر مرحوم نراقی و آیت‌الله خویی، مناسب به نظر می‌رسد همچنان که در مورد قیام بعد از رکوع، نظر مشهور، نظر وجیه دانسته می‌شود، که اگرچه رکوع نشسته باشد، ولی به هنگام قدرت بر قیام بعد از آن، ایستاده انجام می‌شود.



### پی‌نوشت‌ها

۱. به عنوان نمونه: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، جلد دوم، ص ۳۷۳، ح ۵.
  ۲. به عنوان نمونه: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، جلد پنجم، ص ۴۸۱، ح ۱.
  ۳. به عنوان نمونه: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، جلد پنجم، ص ۴۸۴، ح ۱۳.
  ۴. به عنوان نمونه: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، جلد پنجم، ص ۴۸۳، ح ۱۰.
  ۵. به عنوان نمونه: حر عاملی، ۱۴۰۹ ق، جلد پنجم، ص ۴۸۴، ح ۱۳.
  ۶. در عربی: إعاقة؛ در انگلیسی: Disability.
7. Cerebral palsy
  8. Multiple sclerosis
  9. Brain tumor
  10. Polymyositis and dermatomyositis
  11. Brain abscess
۱۲. «مُحَمَّدُ بْنُ يَعْقُوبَ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ يَحْيَى عَنْ أَحْمَدَ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ عِيسَى وَعَنْ عَلِي بْنِ إِبْرَاهِيمَ عَنْ أَبِيهِ جَمِيعاً عَنْ حَمَّادِ بْنِ عِيسَى عَنْ خَرِيزٍ عَنْ زُرَّارَةَ عَنْ أَبِي جَعْفَرٍ (ع) قَالَ: إِذَا أُرِدْتَ أَنْ تَرَكَعَ فَقُلْ وَ أَنْتَ مُتَّصِبٌ: اللَّهُ أَكْبَرُ، ثُمَّ ارْكَعْ وَقُلِ اللَّهُمَّ لَكَ رَكَعْتُ وَ لَكَ أَسْلَمْتُ وَ بِكَ آمَنْتُ وَ عَلَيْكَ تَوَكَّلْتُ...»
  ۱۳. از جمله: نجفی، ۱۴۰۴ ق، جلد دهم، ص ۱۰۳؛ احمد نراقی، ۱۴۱۵ ق، جلد پنجم، ص ۳۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق، جلد هشتم، ص ۲۵۶؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، جلد چهارم، ص ۷۵؛ سیداحمد خوانساری، ۱۴۰۵ ق، جلد اول، ص ۳۶۸.
  ۱۴. از جمله: نجفی، ۱۴۰۴ ق، جلد دهم، ص ۱۰۳؛ احمد نراقی، ۱۴۱۵ ق، جلد پنجم، ص ۲۱۶؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق، جلد هشتم، ص ۲۵۶؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، جلد چهارم، ص ۷۵؛ سیداحمد خوانساری، ۱۴۰۵ ق، جلد اول، ص ۳۶۸.
  ۱۵. رک: عاملی (شهید ثانی)، ۱۴۰۲ ق، جلد دوم، ص ۶۶۶؛ محقق کرکی، ۱۴۱۴ ق، جلد دوم، ص ۲۰۰؛ حکیم، ۱۴۱۶ ق، جلد ششم، ص ۱۲۸.
  ۱۶. از جمله: محقق اردبیلی، ۱۴۰۳ ق، جلد سوم، ص ۱۰۷؛ محقق سبزواری، ۱۴۲۷ ق، جلد دوم، ص ۳۶۳؛ نجفی، ۱۴۰۴ ق، جلد دهم، ص ۱۶۸؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶ ق، جلد چهارم، ص ۹۲؛ سیداحمد خوانساری، ۱۴۰۵ ق، جلد اول، ص ۳۷۷؛ آقارضا همدانی، ۱۴۱۶ ق، جلد دوازدهم، ص ۴۲۶؛ حکیم، ۱۴۱۶ ق، جلد ششم، ص ۳۵۰؛ خویی، ۱۴۱۸ ق، جلد پانزدهم، ص ۲۶.

۱۷. از جمله: نجفی، ۱۴۰۴ ق.، جلد دهم، ص ۱۰۳؛ احمد نراقی، ۱۴۱۵ ق.، جلد پنجم، ص ۳۹؛ بحرانی، ۱۴۰۵ ق.، جلد هشتم، ص ۲۵۶؛ فاضل اصفهانی، ۱۴۱۶ ق.، جلد چهارم، ص ۷۵؛ سیداحمد خوانساری، ۱۴۰۵ ق.، جلد اول، ص ۳۶۸.

### فهرست منابع

اسماعیلی، امیرحسین. (۱۳۹۰ ش.). صد پرسش و پاسخ در خصوص بیماری ام‌اس. ارائه الکترونیکی در: <http://body-encyclopedia.persianblog.ir/post/222>

انصاری، مرتضی بن محمدامین. (۱۴۱۵ ق.). کتاب الصلاة. قم: کنگره جهانی بزرگداشت شیخ اعظم انصاری، سه جلدی، جلد اول، چاپ اول، صص ۲۶۱، ۵۲۴.

بحرانی، یوسف بن احمد. (۱۴۰۵ ق.). الحدائق الناضرة فی أحكام العترة الطاهرة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، بیست و پنج جلدی، جلد هشتم، چاپ اول، صص ۲۴۴، ۲۵۶.

بهبهانی، محمدباقر بن محمد اکمل. (۱۴۲۴ ق.). مصابیح الظلام. قم: مؤسسه العلامة المجدد الوحید البهبهانی، یازده جلدی، جلد هفتم، چاپ اول، صص ۴۵، ۱۰۱-۱۰۰.

حر عاملی، محمد بن حسن. (۱۴۰۹ ق.). تفصیل وسائل الشیعة إلى تحصیل مسائل الشریعة. قم: مؤسسه آل‌البتیت علیهم‌السلام، سی جلدی، جلد دوم: ص ۳۷۳؛ جلد سوم: ۳۸۸؛ جلد چهارم: ص ۳۸؛ جلد پنجم: صص ۴۵۹، ۴۶۵، ۴۸۱، ۴۸۴-۴۸۳؛ جلد ششم: صص ۲۹۵، ۳۲۱.

خمینی، سیدروح‌الله. (بی تا). الخلل فی الصلاة. قم: چاپخانه مهر، یک جلدی، چاپ اول، ص ۲۰۸.

خوانساری، سیداحمد بن یوسف. (۱۴۰۵ ق.). جامع المدارک فی شرح مختصر النافع. قم: مؤسسه اسماعیلیان، هفت جلدی، جلد اول، چاپ دوم، صص ۳۶۸، ۳۷۷.

خویی، سیدابوالقاسم. (۱۴۱۸ ق.). موسوعة الإمام الخوئی. قم: مؤسسه احیای آثار الامام الخوئی (ره)، پنجاه جلدی، جلد چهاردهم: صص ۱۷۰، ۲۵۳-۲۵۲؛ جلد پانزدهم: ص ۲۶.

سازمان بهداشت جهانی. (۲۰۱۶ م.). ارائه الکترونیکی در:

<http://www.who.int/topics/disabilities/en>.

صدوق، محمد بن علی. (۱۴۱۳ ق.). من لا یحضره الفقیه. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چهار جلدی، جلد اول، چاپ دوم، ص ۳۰۰.

طباطبایی حکیم، سیدمحسن. (۱۴۱۶ ق.). مستمسک العروة الوثقی. قم: مؤسسه دارالتفسیر، چهارده جلدی، جلد ششم، چاپ اول، صص ۱۲۸، ۳۵۰.

طوسی، محمد بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). تهذیب الأحکام. تهران: دارالکتب الاسلامیه، ده جلدی، جلد دوم، چاپ چهارم، صص ۷۸-۷۷، ۸۱، ۳۲۵.

عاملی، زین الدین بن علی. (۱۴۰۲ ق.). روض الجنان فی شرح إرشاد الأذهان. قم: انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، صص ۶۶۶، ۶۷۵.

عاملی، محمد بن مکی. (۱۴۱۹ ق.). ذکرى الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، چهار جلدی، جلد سوم، چاپ اول، ص ۲۷۶.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۰ ق.). إرشاد الأذهان إلى أحكام الإیمان. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دو جلدی، جلد اول، ص ۲۵۲.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۲ ق.). منتهی المطلب فی تحقیق المذهب. مشهد: مجمع البحوث الاسلامیه، پانزده جلدی، جلد پنجم، چاپ اول، ص ۱۱.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۳ ق.). قواعد الأحکام فی معرفة الحلال و الحرام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، سه جلدی، جلد اول، چاپ اول، ص ۲۶۹.

علامه حلی، حسن بن یوسف. (۱۴۱۴ ق.). تذکرة الفقهاء. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، هفده جلدی، جلد سوم، چاپ اول، ص ۱۷۲.

فاضل هندی، محمد بن حسن. (۱۴۱۶ ق.). كشف اللثام و الإبهام عن قواعد الأحکام. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، یازده جلدی، جلد چهارم، چاپ اول، صص ۷۵، ۹۲.

کافمن، جیمز. هالاها، دانیل. (۱۳۷۲ ش.). *کودکان/ استثنایی*. مترجم مجتبی جوادیان، مشهد: آستان قدس رضوی، چاپ دوم، ص ۵۳۳.

کانون معلولان تهران. (۱۳۹۰ ش.). ارائه الکترونیکی در: <http://www.kmt22.org>

کلینی، محمد بن یعقوب. (۱۴۰۷ ق.). *الکافی*. تهران: دارالکتب الاسلامیه، هشت جلدی، جلد سوم، چاپ چهارم، صص ۳۱۱، ۳۲۰-۳۱۹.

محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۷ ق.). *المعتبر فی شرح المختصر*. قم: مؤسسه سیدالشهداء (ع)، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، ص ۱۹۷.

محقق حلّی، جعفر بن حسن. (۱۴۰۸ ق.). *شرائع الإسلام فی مسائل الحلال و الحرام*. قم: مؤسسه اسماعیلیان، چهار جلدی، جلد اول، چاپ دوم، ص ۷۰.

محقق داماد، سیدمحمد. (۱۴۱۶ ق.). *کتاب الصلاة*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چهار جلدی، جلد چهارم، چاپ دوم، صص ۸، ۳۸۳.

محقق سبزواری، محمدباقر بن محمد مؤمن. (۱۴۲۷ ق.). *ذخیره المعاد فی شرح الإرشاد*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، صص ۲۸۳، ۳۶۳.

محقق کرکی، علی بن حسین. (۱۴۱۴ ق.). *جامع المقاصد فی شرح القواعد*. قم: مؤسسه آل البيت علیهم السلام، سیزده جلدی، جلد دوم، چاپ دوم، صص ۲۰۰، ۲۱۵، ۲۸۸.

محمدی قراسویی، سمانه. (بی تا). *انواع فلج مغزی*. ارائه الکترونیکی در:

<http://www.pajoohe.com/fa/index.php?Page=definition&UID=36699>.

مقدس اردبیلی، احمد بن محمد. (۱۴۰۳ ق.). *مجمع الفائدة و البرهان فی شرح إرشاد الأذهان*. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، چهارده جلدی، جلد دوم: صص ۱۸۹، ۲۵۶؛ جلد سوم: ص ۱۰۷؛ جلد پنجم: ص ۲۳۳.

مؤسسه تحقیقات، درمان و آموزش سرطان. (بی تا). *آنچه باید درباره تومورهای مغزی بدانید*. ارائه

الکترونیکی در: <http://ncii.ir/article.aspx?id=462>

موسوی عاملی، محمد بن علی. (۱۴۱۱ ق.). مدارک الأحكام فی شرح عبادات شرائع الإسلام. بیروت: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، هشت جلدی، جلد سوم، چاپ اول، ص ۳۸۸.

نائینی، میرزا محمد حسین غروی. (۱۴۱۱ ق.). کتاب الصلاة. قم: دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، دو جلدی، جلد دوم، چاپ اول، صص ۶۲-۶۱.

نجفی، محمد حسن. (۱۴۰۴ ق.). جواهر الکلام فی شرح شرائع الإسلام. بیروت: دار الاحیای التراث العربی، چهل و سه جلدی، جلد نهم: ص ۲۳۹؛ جلد دهم: صص ۸۷، ۱۰۳، ۱۶۸.

نراقی، مولی احمد بن محمد مهدی. (۱۴۱۵ ق.). مستند الشیعة فی أحكام الشریعة. قم: مؤسسه آل البيت عليهم السلام، نوزده جلدی، جلد پنجم، چاپ اول، صص ۳۹-۳۸، ۲۰۱، ۲۱۶.

همدانی، آقارضا بن محمد هادی. (۱۴۱۶ ق.). مصباح الفقیه. قم: مؤسسه الجعفریه لاحیای التراث و مؤسسه النشر الاسلامی، چهارده جلدی، جلد دوازدهم، چاپ اول، ص ۴۲۶.

یزدی، سید محمد کاظم. (۱۴۰۹ ق.). العروة الوثقی فیما تعم به البلوی. بیروت: مؤسسه الأعلمی للمطبوعات، دو جلدی، جلد اول، چاپ دوم، ص ۶۴۱.

پایگاه اطلاع رسانی پزشکان ایران. (الف). (بی تا). پلی میوزیت و درماتومیوزیت. ارائه الکترونیکی در:

<http://www.irteb.com/bimariha/conditions-step.asp-t=379.htm>.

پایگاه اطلاع رسانی پزشکان ایران. (ب). (بی تا). آبسسه مغزی یا اپی دورال. ارائه الکترونیکی در:

<http://www.irteb.com/bimariha/conditi>.

### یادداشت شناسه مؤلفان

محمد مهدی محب الرحمان: طلبه سطح چهار، حوزه علمیه قم، قم، ایران. (نویسنده مسؤول)

پست الکترونیک: mohamad61.30@gmail.com

کاظم قاضی زاده: استادیار دانشگاه قران و حدیث، قم، ایران.

## **Ability of bowing and its effect on disabled people prayer**

*Mohamad Mahdi Moheborahman*

*Kazem Ghazizade*

### **Abstract**

This article allocate to disabled people prayer and it surveys the bowing rule prayer in disabled people and MS patients. These people require bow sitting but they may be able to bow to the main form.

The main purpose of this article is to answer this question: if the disabled people was able to stand before or after bowing, what's his/her duty? Should he/she bow sitting and then stand or should continue bowing to the same manner and stand after bowing or should be satisfied to sitting and appointed to sitting?

The results show that standing attached to bowing is known as bowing and its necessary it compliances with the kind of bowing, but standing after bowing is an independent obligatory that if there is the ability for performing it, it should be do standing although the bowing has performed sitting.

### **Keywords**

Bow Sitting, Ability of Bowing, Disabled, Disabled People Prayer, Prayer